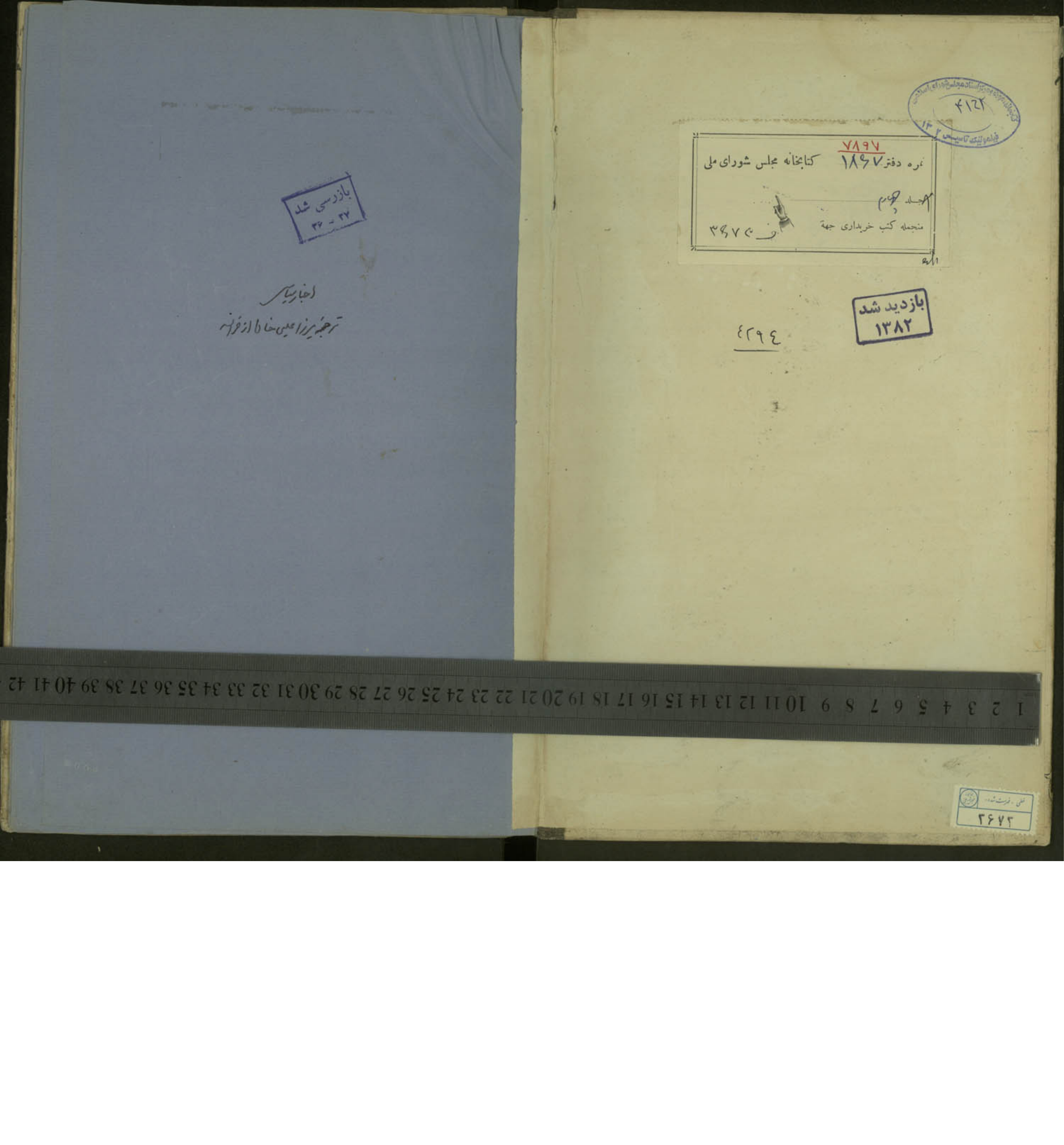
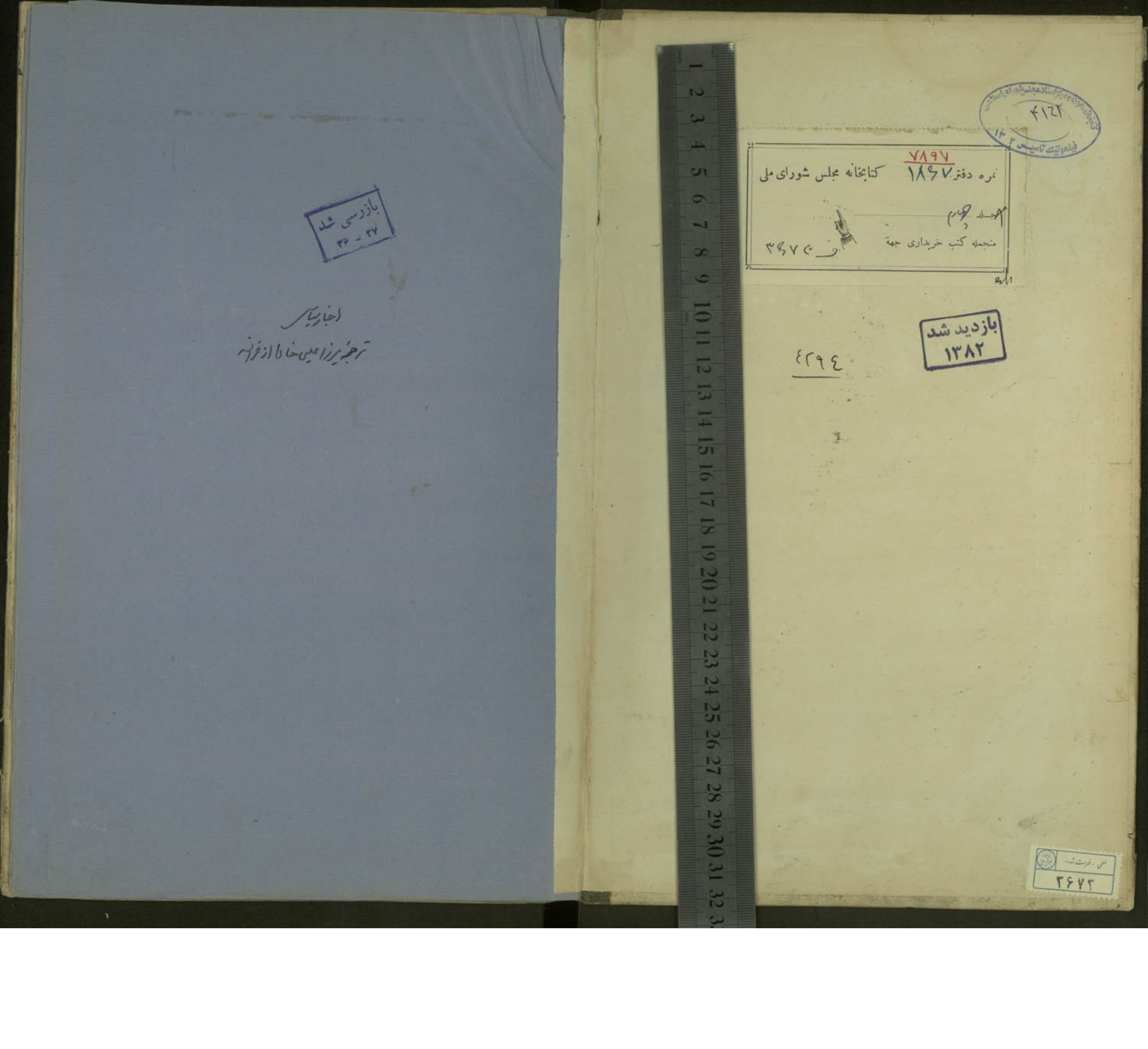

دارالترجمهٔ خاصهٔ همایونی
۴۲۹۴
خطی فهرست شده
۳۶۷۲


بازرسی شد
۳۷ - ۳۶
اخبار سیاسی
کتابخانه مجلس شورای ملی
۷۸۹۷
۱۸۶۷
منجمله کتب خریداری جهة
بازدید شد
۱۳۸۲
۴۲۹۴
۳۶۷۳



بازرسی شد
۳۷ - ۳۶
اخبار سیاسی
ترجمه میرزا عیسی خان از فرانسه
۷۸۹۷
نمره دفتر ۱۸۶۷ کتابخانه مجلس شورای ملی
منجمله کتب خریداری جهة
بازدید شد
۱۳۸۲
۴۲۹۴
۲۶۷۳

روزنامهٔ فرانسه

گراندوک ولادیمیر در زمان توقف پاریس یکروز بمجلس «مازا»
برای تماشا رفته بود میولاتون مدیر مجلس شاهزاده
معزی الیه را پذیره شده لازمهٔ احترام را بعمل آورده و برای
تماشای منقسمات مختلفه مجلس همراهیش کرده و همه جای
این مکان وسیع را که هزار و چهارصد نفر محبوسی دارد
بوی نموده بود مازا برهمه کس معلوم است وضع
و قفل و بست تازه‌ئی ندارد و همین وضع اسباب حیرت
شاهزادهٔ مزبور شده ولادیمیر با یکی از امراء اصلاً
لهستانی بود دو سه لمحه بزبان روسی سؤال و جواب نمود
در مطبخ حکیم‌باشی مجلس قاتل «الید» ادم را بنظر در آورد

و از هیکل و هیولای او حیرت نمود پس از دو ساعت
تماشا و تحسین انتظامات جمهوری فرانسه با مدیر مزبور مصافحه
کرده بیرون رفته بود

عثمانی

در هشتم نوامبر از اسلامبول خبر رسیده تمام این هفته
جشن ختنه کردن شاهزاده‌های کوچک خانوادهٔ
سلطنت برپا بوده است که از جمله سلیم افندی پسر بزرگ
سلطان حالیه عبدالمجید افندی و شوکت افندی پسران
سلطان عبدالعزیز خان مرحوم ابراهیم توفیق افندی
پسر شاهزاده برهان الدین افندی مرحوم این جشن را
در عمارت «ایلدز» برپا کرده بودند بملاحظهٔ این شاهزادها
و تشریف این جشن و ختنه شعار بزرگ اسلام است

در مدرسه‌های دولتی و ملتی ایتام و غیره قریب دو هزار و
چهارصد طفل را ختنه کرده بودند سابق بر این این
جشن ملی میشده است و تا مدت دو هفته تمام اسلامبول
در وجد و سرور و بهجه است و از برای این کار از خزانه دولت
مخارج بسیاری بمصرف این کار میرسیده است سفره‌ها گسترده
میشده است و اطعام طعامهای باقسام می شده است
لکن این دفعه بطور قاعده این جشن را برپا کرده اند
سلطان از مخارج شخصی خودش سی هزار لیره که معادل
هفتاد و پنجهزار تومان پول ایران است برای مصارف این کار
داده است تا زمانی که این اطفال بکلی بهبودی از جراحت
و نقاهت حاصل کرده اند جمیع توجهاتشان بر عهده
امنای سلطان است بهر یک از آنها البسه تازه پوشانیده
و از برای هرکدام در هر محله بوده اند اسباب جشن از موزیک

و تعنیات دیگر فراهم آورده اند ولیمه این ختنه در مجالس عدیده
بوزرا و اعیان و وکلای دول خارجه خورانیده شده است و در
همه این مجالس خود سلطان حضور داشته است و صاحب خانگی
بخرج میداده است و این اولین دفعه بود در سر شام سفرای
دول خارجه حضور داشته اند سفیر ایران در طرف یمین سلطان
نشسته و در طرف یسارش سفیر ایطالیا دیده شد همه این سفرا نایبان
اول و ترجمان اولشان را نیز همراه داشته اند بعد از صرف شام
سلطان هر سفیر را در اطاق مخصوص پذیرفته

در اول ماه محرم که سال اول مسلمانان است از جانب جمیع سفرای
خارجه بتوسط ترجمان اول عرض تهنیت بحضرت سلطان رسید

از مجلس حفظ الصحه جده باسلامبول خبر رسیده بود که ناخوشی وبا
در میان حاج مکه شدت تمام داشته است خصوصا در عید قربان

که در آن روز بخصوص نوزده نفر از حاج باین مرض وفات
کرده بودند اجزای حافظ الصحه مصر چنین صلاح دیده اند
که در دو نقطه قرانتین بگذارند یکی در بندر «تور» و یکی در حوالی آن
در بندر تور پانزده روز و در نقطهٔ دیگر پنج روز حاج را نگاه دارند

امیرال سیمور دون های سردار کشتیهای انگلیس در دریای «مدیترانه»
باسلامبول آمده و بحضرت سلطان رسیده است پس از مرخص
مراجعت کرده است و کشتیهای خود را بجزیره مالت برده این زمستان را
در آنجا اقامت خواهد نمود

طهران

کاغذی از عشق آباد مورخه دهم اکتبر رسید که مضمونش از قرار
شرح ذیل است که فقرا افغان امیر شاه نام عریضه خطاب

بامپراطور روس بوده بسردار روس داده بود مضمونش
این بوده که اولاً از استیلای انگلیس واهمه دارد و میخواهد خود را
تحت حمایت روس درآورد و نوکر دولت روس شود
ثانیاً اغلب مردم هندوستان با انگلیس دشمنند و در اینجاها
و نجباء شهر معظم حاضر و مهیای شورش و بلوا هستند و منتظرند
که بمحض اینکه قشون روس بهرات رسید یکمرتبه بلوای عام نمایند
ثالثاً نباید به یعقوب خان اعتماد بکنید و او را در افغانستان
بگذارید چرا که او بالعکس دوست قلبی انگلیس است بهمین اثرش
چهار سال قبل باز استدعای نوکری و حمایت روس را
کرده و بعرضش اعتنائی نشده بود   از مشهد اخبار هرات
ه در شانزدهم اکتبر رسید محمد صادق خان گماشته روس
ه در هرات است کاغذی بگماشته روس در مشهد است نوشته
و این کاغذ بدست سرتیپ حکومت هرات افتاده محمد صادق خان را

حبس کرده‌اند و تفصیل واقعه را بکابل نوشته‌اند
منتظر حکم آنجا هستند

بلژیک

از قراری که در این روزنامه انتشار داده‌اند کشتیهائی که از همه دول
در دریاهای مختلفه مفقود و غرق شده از قرار شرح ذیل است

کشتیهای بادی

آلمان ٨ فروند	امریکا ٩ فروند	انگلیس ٣٦ فروند	برزیل ١ فروند	دانمارک ٢ فروند	اسپانیا ١ فروند
فرانسه ٢٢ فروند	یونان ١ فروند	هلاند ١ فروند	ایطالیا ٥ فروند	نروژ ١٦ فروند	پرتگال ٣ فروند
روس ٣ فروند	سوئد ٥ فروند				

کشتیهای بخار

آلمان ٢ فروند	انگلیس ١٠ فروند	بلجیک ١ فروند	اسپانیا ١ فروند	فرانسه ١ فروند
هلاند ١ فروند	نروژ ١ فروند			

مصر

کاغذی در ٢٥ ماه سپتامبر از متمهدی معروف به عموم
سکنه قاهره خطاب کرده بود بجدیو مصر رسیده و ایشان بعلمای
جامع الازهر رجوع کرده بودند تا جوابی در رد آن بقاعده علمی بنویسند
مضمون کاغذ این بوجه است

باید اعتقاد کنید که خدا خلافت مطلقه را بمن عطا کرده است
و به پیغمبر اکرم خبر داد که من مهدی موعود هستم خدا از برای
حفظ و حراست و کمک من ملائکه و پیغمبران و اوصیای انبیا
و ارواح مقدسین گذشته ما را از آدم الی خاتم قسمت داده است
معارف از علماء و نیک اعتقادان از خواص و شیعیان ما محبوب

در روز جنگ پیغمبر اکرم سردار عسکر من خواهند بود
خدا شمشیر ظفر و نصرت را بمن داده و پیغمبر اکرم بمن فرمود
که احدی بر من غلبه نخواهد کرد و چون دانش تعقیب مرا خواهند
نمود و نیز بمن فرمود که خدا بتو یک علامت مخصوص داده است
که هر کس تو را ببیند خواهد گفت مهدی موعود عجب آورد آن
علامت همین است که من در گونه راست دارم یک علامت
دیگر نیز معین فرمود و آن این است که علم نورانی عزرائیل در جلو من
میکشد و در هر جنگی با من همراه است حضرت پیغمبر بمن فرمود
که تو از نور قلب من خلق شده مردمان با سعادت البته اعتقاد
میکنند من مهدی موعود هستم ولی برخلاف شخص پول پرست
و جنیفه پرست منکر من خواهند بود و همان انکار اسباب
اضمحلال او خواهد شد نیز حضرت رسول صلی الله علیه بمن فرمود
آنهائیکه تو را انکار نمایند خدا را انکار کرده اند و منکر پیغمبر شده اند

دوستان من قطعاً سرنگون خواهند شد اشخاصی که با
من مخاصمت خواهند ورزید از خیر دو دنیا محروم میشوند
مال و منال و اولاد آنها نصیب مسلمانان با طهارت خواهد شد
و نیز حضرت رسول صلی الله علیه و آله بمن فرمود دوستان تو
دوستان من اند و تابعین تو رتبه خواص از علماء مثل شیخ عبد القادر
و غیره را دارند امیدوارم که از مضمون این خطابه من
مطلع شده بطور قطع و یقین بدانند که خدا در مقام اضمحلال
دولت عثمانی بر آمده است تا اینکه مسلمانی حقیقی جلوه کند
دیارهای آنها را خدا قطع کرده است و از تسلط آنها را
محروم نموده است عثمانلو در نظر پیغمبر نافق و شریر جلوه کرده است
چرا که آنها میخواهند در اطفای نور خدا بکوشند اما آماده
شکست آنها باشید و پای مالشان کنید بخواست خدا علماء
جامع مذکور پس از مطالعه این کاغذ و مداقه تمام منکر این ادعا

واین اعتقاد شده جواب مفصلی برردش نوشته اند وبعضی
گفته اند این قابل اعتنا نیست وجواب ندارد

جامع الازهر معروف است وبهمان اشتهار قدیم باقی است
از همه جای دنیا بجامع مزبور از برای تحصیل حکمت الهی وفقه
می آیند عدد طلاب این مدرسه بتفاوت از ده هزار است
الی سیزده هزار امسال دوازده هزار ودویست وپنج نفر طلبه
ودویست وشانزده نفر مدرس شش هزار وپانصد نفر
از طلاب مزبور بتحصیل مذهب شافعی مشغول هستند
چهار هزار نفر از آنها بمذهب مالکی ودو هزار وپانصد نفر
بمذهب حنفی ودویست وپنجاه بمذهب حنبلی یکصد نفر مدرس
بتعلیم مذهب شافعی وهشتاد وچهار نفر مالکی وسی وشش نفر
حنفی وهفت نفر حنبلی تا آخر قرن دوم از هجرت
این تباین مذاهب درمیان نبود دراواسط قرن سیم از هجرت بعد

این اختلاف بهم رسید واین چهار نفر ابوحنیفه ومالک
وشافعی وحنبل باشند رئیس این چهار مذاهب شده اند
بقید علمیت با مذاهب خود   جامع الازهر علاوه بر طلابی
که در مدرسه هستند جمع کثیری نیز از خارج مدرسه در وقت درس
در آنجا حاضر میشوند فایده طلاب ساکنه جامع مزبور همان
جیره ایست که از اوقاف خود مدرسه بآنها میرسد درس عمده
که در این مدرسه گفته میشود چهار قسم است اول حکمت و آنهم
عبارتست از حکمت الهیه وتاویلات قرآن وکلمات حضرت
پیغمبر صلی الله علیه وآله که روایتش میگویند ۲ فقه
۳ نحو وصرف ۴ ریاضی درین جامع اغلب از علما حافظ
قرآن هستند طلاب را درین مدرسه مجاور میگویند
مجاور اول شروع درصرف ونحو مینماید وقواعد آنها را بمدرسه
حفظ میکنند وبعد بحدیث وآداب نماز میپردازند پس از آنکه

این صفحه سهو شده تتمه مطلب در نمره (۱۳) است

از علم قرائت و فقه فارغ شدند حکم مرافعه و تدریس از علمای بزرگ میگیرند با همه فقر و مفلوکی که دارند منکر صنایع فرنگستان هستند و با همین علم خود خیر دنیا و آخرت را از برای خود تصور میکنند

روس

ماه گذشته در تفلیس عید مذهبی جشن صومعه و دیر لافرا و جشن تشش مدیرسیون بر پا کرده بودند صومعه و دیر لافرا در آکادمی پوچایف معروف است از جهت قدمت بالاتر از لافرا پچرسکی شهر کیف است و در سنه ۱۲۴ مسیحی بنا شده است در سنه ۱۲۰ اکثیشان معبد پوچایف مطیع و منقاد رم شدند و اعتقادشان را بمصادرات متحد یونان تبدیل کردند ولی در بلوای عام لهستان ۱۸۳۱ اینها نیز شورش کرده مغضوب [illegible]

دولت روسیه پس از فراغ از جنگ و امنیت ایالتها
این کشیشها را از معبد مزبور بیرون کرده و کشیشان ارتودکس
مذهب را بجای ایشان در وی مسکن نمود دیر سیون و قصر
در تفلیس تازه مرمت و عمارت آن تمام شده است بنایش
از قرن پانزدهم شده پایها و بنوهایش در سنه ۴۲۳ الی سنه ۴۹۹
واختانگ گورغسلان بنا کرد و عمارتش و معبدش در سنه ۶۱۹
الی سنه ۶۳۹ در عهد سلطنت آدارناسی باتمام رسید پس از جنگهای
خرابیها و صدماتی که بواسطه خرابیها و صدمات وارده بر شهر
تفلیس بوی وارد آمد بتصرف دولت روس درآمد در سنه ۱۸۵۰
در زمان حکومت شاهزاده فرونتزف در صدد عمارت
و اصلاحش برآمد ولی باز ناتمام ماند بعد اصلاح خرابیهایش و آبادیش
بدست پرنس گاگارین شده خودش هم معمار بود و هم نقاش
و هم مرصع کار با دست خود در معبد کار کرده بود نقاشیهای

و آبادش نموده بود این کلیسای معظم نیز مثل سایر
کلیساهای قدیم و معابد بیادگار مانده قدما در قفقاز بسبک
بیزانتینها بنا شده است

پروس

اخبار سلامت مزاج و بهبودی مزاج پرنس بزمارک صدراعظم
المان روز بروز بدتر و نامساعدتر میرسد بواسطه تصرف
هوا و باصطلاح سرماخوردگی مرضش سخت تر شده و یرقان
شدیدی عارض شده است در هر صورت صدراعظم را
تا عید نول در برلن نمیتوان دید اگرچه نزدیکان خود
پرنس شهرت داده‌اند که مشارالیه در افتتاح رایختاغ
حضور بهم خواهد رسانید

هلاند

در همه شهرهای هلاند عید سال چهارصدمی لوتر گرفته و جشن عظیمی برپا کرده بودند و در مجالس عدیده شیلان کشیده و مردم را دعوت بصرف شام کرده بودند جمع کثیری خطابه و نطق مفصل که مضمونش تعداد فضایل و مناقب این شخص جلیل را ادا نموده و فوایدی که برای آزادیهای مذهبی انقلابون که از مشرب بود و فواید بسیار بخشیده تعداد کرده بودند

برلن

مسیو گیرس وزیر امور خارجه روس قبل از حرکت از برلن ملاقات مفصل و مشروحی با کنت دهاتزفلد کرده و لیکن متفقا باهم بزنت ولیعهد رفته و از آنجا هر سه باهم متفقا بحضور امپراطور

مشرف شده بودند و وزیر معظم الیه شام را هم در حضور امپراطور صرف کرده بود معلوم است که این مسافرت وزیر امور خارجه روسیه به پروس علی الظاهر برای سرکشی و عیادت دخترش بوده ولی در باطن منظوراتی مترتب بوده که پولتیک این سه سلطان قوم و خویش آنها را بسته بهم و لاعلی علی ای حال بر دولت چین این سه دولت را متفق باین کار رها و ملاقاتهای گرمی بهم برسانند این مطلب هم بطور قطع کسی نمیداند که این دو امپراطور باهم خیال دست و رکابی نشستند ولی در چین که ملت ضدیت چین در کار است

انگلیس

از قضیه که در تمس انتشار یافته غلبه متمهدی در سودان اسباب خیال وکلای انگلیس شده و مصر را بکلی تنزل کرده است انگلیس از تخلیه مصر بکلی خیالش منصرف شده است هرچند در باطن

اصلاً میلی ندارد که این سینکوه‌کن و آفت بزرگ که
متمهدی و قشونش باشد نزدیک شود میخواهد مصر را با دیجنگ
بیندازد و خود پای در میان نشود و قصد صلح بره
قشون مهدی بموجب اخبار رسمی سیصد هزار نفر متجاوز است
در میان قشون مصری که ژنرال هیکس سردارش بود چهارده نفر
صاحب منصب فرنگی بوده که نفرش المانی و دوازده نفرش
انگلیس بوده از این میانه یکنفر المانی که بواسطه مرض در آن جنگ
حاضر نبوده جان بدر برده و یکنفر انگلیسی که در جزو یکصد و پنجاه نفر
مجروحین تعداد شده است باقی کشته شده اند
از جمله آذوقه ژنرال هیکس که بتصرف قشون مهدی در آمده
(ذخیره که ماهی دوازده الی پانزده هزار نفر قشون محتاج بوده است
در همه روزنامه‌ها انتشار رسیده است که مهدی بتصرف تمام
سودان و مصر سفلی قناعت نخواهد کرد و قطعاً مصر تحت خواهد آورد

چنانچه اسمعیل پاشا که بالفعل در لندن ساکن است بروزنامه
نگاران انگلیس در لندن گفته بود از این آفت باید مطمئن شد
اگر پسر دیگر مرا والی سودان کنند و شصت الی سی هزار قشون
با وی هفصد و چند نفر از سرداران معتبر را بهمراهش
روانه نمایند دو رفیت کاری کنند والا با دیگران کار
از پیش نمیرود و مهدی از هیچ کس تشویش ندارد مخصوصاً
عداوت باطنیش با عثمانیها و سلطان عثمانی را بر ملا میگوید
و در رجز هائیکه در جلو قشونش دراویش میخوانند بی پرده
اظهار میکنند که بحکم خدا برای دفع عثمانیها ماموریم و جلو ما را
هیچ دریا و کوهی نمیگیرد نظام مهدی منظم و توپخانه اش
معتبر و اغلب این سیصد هزار قشون همراهش غالباً تفنگهای
اعلا دارند و آتش خانهای معتبر بکار میبرند

روس

در روزنامه پطرزبورغ نوشته‌اند امروزها خیال نهان
جمعی که در صدد دفع وقتل امپراطور برآمده بودند و خیالشان
در جزو بایگار قوت گرفته بود آشکار شده و بعضی از آنها
دستگیر و گرفتار گشته‌اند این اشخاص جمعی از ارباب رجوع
دشمن و کینه از اهل دربار بوده که باهم درین کار همدست
شده بودند یکی از این اشخاص درین اواخر از این کار نادم
شده در غیاب و خفای رفقایش بکلیه پلیس پطرزبورغ را
از اراده خود و رفقایش مطلع ساخته و آنچه را در کنون داشته‌اند
بموقع شهود گذاشته و صورت اسامی همراهانشان را بولی
داده بود چند نفرشان دستگیر شده‌اند و اغلبشان فرار
اختیار کرده‌اند نوکر دربار را چون در آشکار چندان
اصرار نداشته و مجبور برفاقت و همدستی آنها بوده و بلکه

در دو سه موقع ارتکاب رفتار را از فضیلت خیال نمایش کرده
بود قرض نشده‌اند فقط از کارش معزول و از آمد و شد
دربار ممنوع شده است

در پطرزبورغ اختراع چراغی کرده‌اند در قعر دریا بطوری روشن
می‌شود که هر ذره را تشخیص میدهند و این برای پیدا کردن کشتیهای
غرق شده بکار است اگرچه اسباب را سابقاً نیز انگلیسها
ساخته بودند و بواسطه آن دو کشتی غرق انگلیس و ایطالیا را پیدا
کرده بودند ولی باین کمال نبوده و این صنوف را امروز ساخته‌اند

اسپانیا

تفصیل ورود ولیعهد المان بشهر والانس کشتی که پرنس
معتمد الملک در او نشسته بود وارد بندر والانس که کشتیهای
اسپانیا و دو کشتی احترام روس صف کشیده و آیینه بسته بودند

مامورین که از طرف پادشاه اسپانیا برای پذیرائی ولیعهد
بشهر مزبور رفته بودند تا بلژیک استقبال کردند گنشته ولیعهد
در او جای داشت جواب شلیک احترام باستیانها و
توپخانهای این شهر را داد پس از آن ولیعهد المان که لباس
رسمی سیلزی پوشیده بود وارد شد مستقبلین و همراهانش
در همین وسایر منهیه الیه حرکت میکردند در اثنای حرکت بکالسکه
شهر با اعزه و اعیان نان و نمک مامول تقدیم نمودند دوازده
دختر ملبس بلباس اسپانیا بودند دستهای گل و زنبیلهای
پر از انار و نارنج بولیعهد دادند دستههای گلها را یکی از آن
زنبیلها قبول کردند و مابقی را استرداد داشتند و بعد بکالسکه
سوار نشسته بعمارت حاکم رفتند شام مفصلی هشتاد نفر
در سر میز شام می نشستند تهیه کرده بودند از وضع شام و
مهمانداری حاکم کل و مامورین مخصوص پادشاه زیاده

بولیعهد خوش گذشت و اظهار امتنان نمود در ساعت
یازده کالسکه مخصوص از طرف پادشاه آمده ولیعهد را
به مادرید حرکت داد در ساعت یازده صبح ولیعهد بشهر مزبور
وارد شد در موقف کالسکه از ملاقات پادشاه و اعضای
دولتی که باستقبال او آمده بودند خوشوقتی حاصل نمود
ولیعهد لباس ژنرال اسپان ملبس شده بود و پادشاه
ملبس او هلان موقف کالسکه را باشکوه هرچه تمامتر آئین
بسته بودند یکفوج اسپانیا با بیرقهای مختلف و موزیک سلام
نظامی بولیعهد کرد پادشاه و ولیعهد پس از معانقه و مصافحه
دوستانه بکالسکههای رسمی سرگشوده قدم گرفته بعمارت
سلطنتی رفتند دوازده هزار قشون مختلف اسپانیا در دو
طرف راه صف کشیده خیابان باشکوهی از فاصله خود
قسمت داده بودند همه را در حین عبور سلام با لطف در آن

ولیعهد نایل شدند در روی پله های عمارت پنجره تنها و نجبا
و خانواده سلطنتی بالباسهای غریب و عجیب زمان قدیم
خودشان صف کشیده بودند پادشاه و ولیعهد را به
تماشای البسه خود چند لحظه مشغول نمودند ملکه اسپانیا و
سایر خواتین محترمه در درب اطاق نشیمن ولیعهد را پذیرائی
نمودند از قرار خبر رسمی و دستورالعملی که با عیان شهر
مادرید داده شده است ولیعهد دوازده روز در آن
شهر میماند همه قسم اسباب بهجت و انبساط از برای معزی الیه
فراهم آورده بودند و در نیت که ولیعهد به بعضی از ایالات
اسپانیا برود ولیعهد آلمان با حضور اعزه و اعیان اسپانیا
این مضمون را در خطابه اش ادا کرده بود که من تنها نه برای
بازدید الفونس دوازدهم پادشاه آمده ام و نیابت
امپراطور پدرم را آورده ام بلکه از عوض تحصیل اتحاد الشان

و خودم مخصوصا به دیدن مملکت اسپانیا و ملت با محبت
اسپانیا آمده ام امیدوارم این دیدن با محبت مرا از
روی محبت و وداد استقرار خواهد داشت برانته

روس

صاحبمنصبان عسکر چرکس اوران بورغ تاجی از نقره
خام به قرب به نه لیور وزن و سه ربع ارشن قطر آن
و در روی یافته ها از نقره مصقول در لبه تاج قرار داده اند
و برنگ سیاهش مینا کرده اند این عبارت را نوشته اند
(این تاج پیشکش قیصر شهید است و قشون چرکس اوران
بورغ تقدیم کرده اند)

پروس

در یکی از ایالات پروس در حفر بنوه معبدی دو پارچه گوهرها
یافته اند که اسباب حیرت ناظرین شده است یک پارچه
آن به بزرگی کله گاوی بوده است و پارچه دیگر بضخامت
بازوی مرد قوی هیکلی هر دو پارچه را بموزه دولتی برده
ضبط کرده اند

فرانسه

در روزنامه تان منتشر داده اند که شهر تنکن حق مات و کا
رسید دولت چین است که از آنجا خارج نشود و پیش از این
کرد مخالفت با معاهده کرد عجب است که دولت چین ایستادگی
در ضدیت با فرانسه میکند و قهر فرانسه را پایدار نمیداند
دولت فرانسه هر چه محتاط باشد و هر چه حجب بخرج دهد
و هر چه رعایت همسایگانش بکند باز وقتی که موقع اجرای

حق خود مسلماً دست بالا را خواهد گرفت و اعتنائی بمعنویات
و اعتراضات غیر معتنابه دول همسایه در فقره چین
نخواهد کرد   دولت فرانسه هیچ بدولت انگلیس اشعاری
کرده که دست بروی مصر بگذارد و هیچ در کارهای دولت
روس مداخله ننموده و هیچ بدولت انگلیس تکلیف استرداد
جزیره قبرس را ننمود که او دخالت در کار فرانسه بنماید
البته دولت انگلیس برای فایده ما و صلاح دولت ما
بخطر راضی نخواهد شد لکن اعتقاد ما این است که درین
فقره تنکن مقصود دولت انگلیس در عین جلب نفع خودش
نه رعایت همسایه الحاصل باید دول همسایه بهمان
اعتقاد در دولت فرانسه بعد از جنگ ۱۸۷ ضعیف شده
باقی باشند آیا این جمهوری از جمهوری آندر و یا
از ایالت موناکو معتبرتر است بطور حتم و یقین میگوئیم

معاهده را که ما فرانسه ها برای ملاحظه نفع خود و رعایت
دیگران منعقد می کنیم خیلی محترم می شماریم و در حالت
دوستی دیگران فریب بعد از امتحان نمیخوریم

عثمانی

حسب الامر سلطان سعید پاشا و عارفی پاشا
مأموریت مخصوص در باب نهر سویس دارند خبر برق
رسیده که هرگاه نهر جدید احداث بشود چه قدر
از اراضی را محتوی خواهد بود و نهر قدیم را وسعت
دادن چه اندازه از زمین را فرا خواهد گرفت
در هر حال بردن فرمان سلطان هر چند طرف
قبول دولت عثمانی نخواهد شد مسیو لسپس اعلان
کرده که در رعایت فرمان سلطان شرط اقدام در کار

بداند والا اسباب گفتگو فراهم خواهد آمد

مصر

اخبار صحیحه کتبی از جده مورخه ۱۳ ماه نوامبر
رسیده که کاپتن مونکریف قونسول انگلیس مقیم سواکن
با قشونی که همراهش بوده است بالمره تلف شده اند
قونسول مزبور از سواکن با پانصد نفر حرکت کرده به تکا
رفته است که ناگاه جمعی از قشون مهدی با او برخورده
همه قشونش را بقتل رسانیده اند مگر پانزده نفر فرنگی
که فرار کرده اند سکنه این شهر غالباً جلاء وطن کرده
رو بجده میروند قبیله که در سنغار سکنی داشته اند شوریده
و بمهدی پیوسته اند این قبیله دارای سی و شش هزار
خانوار است برده فروشی که در مصر علیا پیش

کسب مشغول شده غالباً از عمال مهدی شده‌اند و قبایل
متفرقه را اینها محرک شده و لطیف مهدی می
کشانند یازده نفر فرنگی با قونسول مزبور در این جنگ
کشته شده و از قرار دو ماه اینها با صد قبضه تفنگ
و دو عراده توپ انگلیس متصرف عسکر مهدی در آمده است

روس

یکصد سال است که عمارت مرمر بنا شده است و در ۱۲ نوامبر
جشن سال یکصدی بعد از اتمامش را برپا کردند این عمارت
عالی باشکوه بحکم کاترین ثانی از برای پرنس ارلف
ساخته شده بود قبل از اینکه در او سکنی نماید وفات
کرد بعد از فوت او وراثش این عمارت مرمر را
بدولت فروختند بعد ستانیلاس پنیاتوفسکی پادشاه

در این عمارت مرمر تا وقتیکه مرد سکنی داشت
بعد عمارت مرمر ملک گراند دوک کنستانتین پاولوویچ شد
در سنه ۱۸۳۲ مسیحی این عمارت مرمر در جزو عمارات
سلطنتی محسوب گشت و بگراند دوک کنستانتین نیکولا
یویچ بخشیده شد و در وی سکنا نمود
این عمارت بواسطه اختصاص با یک نوع امتیاز بر سایر
عمارات دارد به هیچ وجه چوب در او بکار نرفته
مگر از برای درهایش و کف اطاقهایش و باقی
بناییش از مرمر است و برنج و آهن سقف
و پوشش از سنگ مس است

انکلیس

در روزنامه‌های انگلیس برملا می‌نویسند که دولت
انگلیس با الفعل تکلیفش این است که مصر را تحت‌الحمایه
نماید و قشونش را بملاحظات عاقبت‌بینی
و مآل‌اندیشی باین سانحه تازه روی
داده است و عنقریب تمام مصر را خواهد
فرا گرفت گرفتار نماید

فی شهر صفر المظفر سنه ۱۳۰۱
در دار الترجمه خاصه همایونی
تحریر شد


ترجمه چاکر خانه زاد
میرزا عیسی خان مترجم فرانسه
فی شهر صفر المظفر ۱۳۰۱